



صاحب امتیازی :

شهیندر زاده قلبلی

امیر ملی

اداره و تحریر محلی :

جفال اوغلی جاده سنده دائره مخصوصه در .

مخابرات صاحب امتیاز الیه جریان ایتلیدر .

نسخه می هریده

۲۰ باره در .

۱۸ رمضان ۳۲۸

شرائط اشتراك :

سنه لکی ۳۰ . آلتی آلتی

۲۰ غروشر

سنه لکی ۱۰ آلتی آلتی ۶ فرانقدر . اعلانات
ایچون اداره مأموری محمد ذهنی بکه مراجعت ایتلیدر .

۲۲ ایلول افرنجی

۱۹۱۰

۹ ایلول ۱۳۲۶

وتعاون و همدردی که بقرار احکام دینی و مذهبی بر عموم ملت اسلام فرض عین می باشد لهذا از پدر مهربان کل عالم اسلامی یعنی: (دولت علیه عثمانی): و از برادران نوجوان میدان ترقی خواهی یعنی: (دولت علیه ایران) ملت بیکی افغان التماس اتحاد و تعاون را در هر زمان امید و ارست: — [:] ختام

حکایات

امام عزالی نیک بر اثر مشهوری

کتاب مضمون به

علی غبراهله

فان قيل فهل هو في جهة؟ فقال هو منزه عن الجهة وعن الحلول في المحل والانصال بالاجسام والاختصاص بالجهات فان كل ذلك صفات للاجسام واعراضها وهوليس بحسم ولا عرض في جسم بل هو مقدس عن هذه العوارض. اكر «روح برهنده می در؟» دیتلر سه جواب و بریز که او، جهتن، بر خله حلولن، اجسامه بیتشمکن، جهتله مقید اولمقدن مزهدر، زیرا بوتون بونلر اجسامك صفات واعراضیدر، روح ایسه جسم و عرض اولمایوب بو عوارضدن مقدسدر.

اعتراف ایتمه لی ز که جناب امام بومبخته بوتون مضمراتی افشا ایتمور، و کتابك اسمنه رغماً حالا حقیقی پك مغلق بر صورتده افاده ای دیور، بو تعریفدن شومشکار و شوسؤالار حاصل اولویور:

۱- روح ایله جسمك مناسبتی نهدر؟

۲- روح، هیچ بر صورتله علاقه دار اولمادینی

جسد اوزرنده نسل اجرای تأثیر و فعالیت ایدر؟

۳- هر جسدك روح مختصی اولماق، و هیچ

کسه «نم روح وار» دیبهمه مک لازم.

فی الواقع روح ایله جسد آره سنده، بالاده کی تعریفه

کوره، مناسبت تأسیسی غیر ممکن کورینیر. روح،

جسده حول ایتمش دکلدلر، جسدك برجهتته ده دکلدلر.

جسده متصل دکلدلر، جهتله مقید دکلدلر، شو حالده

بر جسدك بروحی وار، سوزی ده معنائیز. اکر بورادم

تعریف ایدیان روح، افراد انسانیه بالخاصه منسوب

اولان روحلر دکلدلر بوتون عضویاتی احیا ایدن «سر-

حیاة» ایسه، مشکلات آزالیر، لکن شو حالده بویه

بر روحك حادث اولمایه جینی میدانه ایکن جناب امام،

روحك نطفه نك الفاسیه باشلا دینی یعنی برابنداسی

اولدینی سویلیور. واقعا حدوش ایجاد و خلق معنانه

آلیور سنده روح عمومی نك حدونی ده عقلاً ممکن

قبول دکلدلر.

ایکنجی درجه ده روحك جسد اوزرنده کی تأثیری

و صورت فعالیت آکلاشله میور. اوچونجینی ده هیچ

بر جسد، کندینه مخصوص بر روحه مالک بولومیور.

بومشکلانك از الهی ایچسون (و خدات مابه) خصوصه

مراجعت خاطره کلیر سنده روح ایله جسدك ایکی ضد تام

ضرب المثل بین الملل می بود پس حال چه مصیبت بر شمارخ داد که بدین زودی زود از شاهراه وطن پرستی و غیرت و حیت ملتی و تمصب دینی و احکام نص قرآنی که اساس دین بر آنست انحراف و رزیده و حقوق مادر مهربان خود را که وطن می باشد بدین بی قدری و بی اعتنائی با اعال خبول اعدایی نماید: آیا نمی دانید؟ که این مادر مشفق مهربان که وطن مقدس شما می باشد شمارا بچه گونه ناز و نعمتهای گوناگون پرورانده؟ و در قطعه مقدس وطن شما آیا کدام چیزی از دیگر قطعه های ملل متری کتر می باشد؟ بلکه در حسرت آب و هوا و اثمار و انهار و معادن بی شمار وطن مقدس شما دل های اهل فرنك هر لحظه بر نگی آب و مذهب میگردد. — و هرگاه يك خوشه ارانکور و وطن شما برای (لورد های) لندن میسر شود بهزار فرنك بکمال افتخار می خردند — و اگر پارچه از سونك های معادن شما برای (باردن) های جرمن حاصل گردد بهزار شانك شرمی کنند

— و اگر قشره از آب هلمند برای (قوت) های فرانسی میسر شود چون نوش وارد برای تداوی بدن بکنید که تعارف و توفی می نماید. — و اگر وقیه از ذغال سنگی روشن مقدس افغان برای فابریقه های (امریقا) حاصل گردد صدای مسرت تولهای انجون شان تا قطعه اروپا می رسد: و فنا که بقعه بدین ثروت و آبادی و اینچنین خاک بابرکت و با صفا داشته باشد چه سان عقل قبول خواهد کرد که ملت از علو و کمال بی بهره نمانند و با آنکه آب و هوا تأثیری نمیشد چنانچه دیده میشود که ذکاوت فطری ملای افغان از سایر ملل اضافه تری باشد پس چرا اینچنین از شاهراه ترقی و تمدن بی نصیب بوده باشیم؟ —

ای ابنای ملت وای فوّه خاکه مملکت؟ اکر اندك توجیه در امور ملك و ملت خود نماید اسباب ترقی برای شما از هر جهت آمده و مهیا است که حاجت با اختراع جدید و با مصرف مبالغ کثیر و با اتلاف نفوسی را دارد اکر دول مترقی حاضره بی سی سال ترقی کرده باشند دولت افغانستان به یازده سال ترقی خواهد نمود و قابلیت آرا دارد.

مکر افروز: اینچنین خواب غفلتا بر ملت افغان روی نداده که اینگونه فریاد و فغان جان خراش بیکد فقه و اصل سمع شان گردد لیکن بهر حال (و ما علی الرسول الا البلاغ)؟

— ای برادران دینی وای مجاهدین اسلامی ناله و فریاد بپانگاه خاتمانسوز این فدای ملت و وطن را حمل بر مقاصد شخصی و باغراض نفسانی نه نمایید بلکه محض از کثرت جوش و خروش وطن پرستی و خیر خواهی دولت و ملت می باشد که مرا برین پنداشت که جسارت و رزیده در عالم مطبوعات اقدام کنم و این مقاله بی ربط و بی نظام را انتشار بدهم و ناله دل مجروح امزده خود را بقلع مجز رقم از زیر برده اخفا وضع انفار صاحبان حیت و وجدان و ارباب غیرت و ملت اسلام بنمایم لکن برای اندیشه مال و تأمین استقبال و اتحاد و اتفاق اسلامی و

و دول اسلامی بر عکس آنها رفتار نمود همانست که محکوم آنها گردیده تا آنکه از حقوق مدنیت و انسانیت در عصر هذا مات اسلام را ساقط می دانند و اهل اسلام را بوحشت و ظلم و بی اتفاقی متهم می سازانند و کره عین مدنیت و عدل و انسانیت در دین مبین و ملت اسلام می باشد و در توارخ اتم و احوال عالم مخفی نخواهد بود. در زمانیکه دول فرنك از کثرت و وحشت و بی انتظامی بجای جامه پوست های وجود خود را برنك سبز و سرخ و لاجوردی رنگ آمیزی می نمودن و پوست حیوانات و وحشی و پرهای طبور بری هرگاه برای شلر میسر میگردید برای تاج و اکلیل و ردای سلطنت امپراطور های خود بکمال افتخار تقدیم و تعارف میکردن و دول معظمه اسلام و سلاطین کرام شان دران زمان بکمال شوکت و شان و افور نعمت و انواع ملبوسی و طوپ و تفنگ آراسته بودن حال این آنها و وحشت و ظلمت ملت اسلام را حواله با نصاف صاحبان وجدان سلیم و ارباب عقل و تمیز ملل متمدنه می نمایم که تو حش و ظلمت خاصه کدام ملت می باشد. — ای ابنای وطن، بیدار شوید، و نیکرید! — و ازا احوال عالم و کفایت ملل یا خبر گردید و زین آنها بی معنی دول متمدن فرنك که از ما اخذ کرده و بر ما تعن میکند عار و شنگ نماید و در راه شان و شرف وطن خود خود را متفقاً فدای نماید تا وجود مقدس مادر مشفق که وطن شما است از باغیالی خبول افواج متمدی و دره ندگان و وحشی جنوبی و شمالی با آمان ماند و کر نه هیات که بعد از خرابی بصره جهاد و اجتهاد و یا شهادت و موات شما اثره بخشد، —

(علاج واقعه پیش از وقوع باید).

(سرچشمه باید کرفتن بمیل) (جو پر شد نشاید گذشتن بمیل)

— ای ملت نجیب افغان نظر کنید که درین عصر ترقی حصر جمیع عالم از شرق تا غرب از نور علم و عرفان و از لذت اتحاد و اتفاق بهره برده اند و هیچ يك بقعه در ربع مسکون نخواهد بود که از نور ترقی و معرفت محروم مانده باشند (بدون از ملت بد بخت افغان) — بلکه وحشی های افریقا از لذت اتفاق و اتحاد تعاون و معرفت علم و فن بهره برده اند و بغیر از ندای وطن و وطن دیگر فریاد ندارند و خصوصاً که تنم و تلذذ بدن برای آنها بدرجه ابنای وطن افغانستان حاجل نمی باشد با وجود آنهم در غیرت و وطن پرستی و ترقی پروری و اتحاد ملتی خردها شب و روز ازدل و جان ساعی و جاهل می باشند و دیگر سناك و رفتار ندارند بدون از ترقی خواهی و وطن ای ملت غیور افغان هزاران افسوس برین حقوق ناشناختی و غفلت و نادانی شما که بدرجه ابنای وطن قطعه افریقا شعوری ندارید، ای این مادر مهربان شما که بقعه مقدس افغانستان گفته میشود در حقوق تربیه و نشو و نما شما ابنای وطن مکر بقدر خاک افریقا حیثیت و قابلیت حائز نمی باشد و یا آنکه شما از درك نعمت آن کور و کر میباشید و کر نه خاک پاک قطعه افغانستان همچنان بقعه مقدس می باشد که قبل ازك عصر با وجود طوائف الملوك بودن و هرج و مرج داخلی اسم و شهرت و غیرت و حیت و شجاعت آن ذوات معظم که آبا و اجداد شما می باشد

بر حرکت حقیتمندان

« قدسین یازیلور »

(اعانه بحریه مرکز قومیسونی اعضایی کرامندن مجلس میمونانز کاتب ذی اقتداری . بالکسر مبعوث محترمی عبدالعزیز افندی حضرتلری اون کون اقدم شهر مزه کلهرک وفات اوتانه نازل اولدی . هر پرده اولدینی کی لوازم تنسیقاتنده هر فصله قادر وخارجی بر اقبالان وقط تدقیق تنسیقات قومیسو- نتیجه جواز استخدا منه قرار ویریلن قدس مصالح اجنبیه مدیر سابق و لوا اعانه بحریه قومیسونی اعضاسندن ادیب بشاره حیدر افندی مشروطیت مشروعه من عدالتک بوسورتاده ششمه باش اولما-مقابل شکران نعمتی ومشار الیه عبدالعزیز مجدی افندی حضرتلرینک دلالت حیترورامسی انارندن اولهرق اعانه بحریه لوا شعبه سینه ایکون فرانسیز لیرایی تبرع واهداسیله موقوف اولدینی حایه صداقت وحیاتی ابراز ایتشدر . بوابده دلالت وتشویقات وطنپورانه بولنان مبعوث مشار الیه الیه حیتتی اثبات الیه یمن موسی الیه بشاره افندی صمیم قلبمزه آلفشار و بوفدا کارلانی ثروتندن بر ذره فداسنه حالا راضی اولامیان اغنیانک نظر عبرت وانصافرینه وضع ایلرز .

مصاحبه

رمضان وتدقیق انسان

وقتیله بکا بر مرشد الیادار (اوروج برانسانک حالت روحیه ونحو لات فقه-تدقیق انجون التوافق چاره در) دیمشدی . بو سوسوزلردکی حقیقتی ، رمضانک حولیله برابر تجربه ومشاهده قرار ویرمشم . بوتون تدقیقام ، مرشدک سوزلرینی تصدیق ایدیلور- دی . آچلنک ویردیکی حالته انسانلرده کتم ماهیت ، ریواساخته کاری خصایری فوق العاده آزیلور ، بالعکس هر کسک مغایه روحیه سی دهابویوک بر وضوحه میدانده جیتیور .

حس دینی قوتی وصمیمی اولانلرده وعظدیکه مک اندیشه روحی تسایه ایدیه کسوزلر ایشیمک آرزوسی غلبه ایدیلور . طبعنده حکمت وتفکر غالب اولانلر ، کاه اعماق روخده ، عمان وجداننده حقیقتلر آزیلور ، کاه سویله ن حقایق تحلیل وتشریح الیه اوغراشیور . ذوق سلیمه مالک اولانلر ، ولو جاهل بیله اولسه ، لطیف بر صدا ، کوزل بر تجربه الیه اوقونان قرآن انجاز بیانی دیکامه کجان آتیور . طبعنده حساسیت وتدقیق غالب اولانلر ، هریری بر مرعاجاه معنوی ؛ بر رشید چراغ اسلامی اولان مساجد عظیمه اوطور منی ، اورالره مخصوص طائلی هییتی سهویور . کیسی التون بالدیله یازلمش الواح نقیسه کوزلرینی دیکور ، صانکه اونلرک تضمن ابتدکی معنای نورانی خطوطک ششمه سندن

اخلاق ملیه مزنی یوزیلورلر ،

امنیت عمومیه مدیرینک نظر دقتنه .

بعضاً بر مملکتته بر طاوور فاحشه ، بر قاج بیک میخانه وسفاهتخانه ک ابتدکی تخریباتی قوجه بردشمن اردوسی یایه ماز . فحش الیه صبر آره سنده قالدینی بر سنده ، فضیلت الیه رداثت قانی بر عبادله به باشلار . ایکسندن برینک غلبه سی ، محیطده بولونان وساطه کوره تعین ایدر . شوخالده حکومتک اک بویوک وظیفه لرندن بریده فحشی تعمیم ایدیه ک ، کنجاری باشند جیقاراجق عوامی دفع وتکیل ایتکدر .

بر آراق حکومت ، آقریس عسواتی غیب ایدن بر طافم سفیله لک ، یالکز ارباب حبیتک یوزینی قیزارده جق دکل ، ذوق سلیمی ایکرندیره ک قیافه لره صحنه چیمه سانی منع ایش ویک آبی بر ایش یایش ایدی . صورلرینه مسامحه واغماض عینه باشلانیلیدی . وینه صحنه لرمن ، صحنه عبرت دکل . معرض سفلیت حاله کیردی .

اصل جان صیقاجق جهتی شورشاسی : افساد اخلاقه یاره قازانمی اعتیاد ایدیلر ، بویکی مناظر مکروه من ذوق المانیلری بر طافم ساخته اعلانلره جلب ایدیلورلر ، وینه بو اعلانلره اولیای اطفالی اغفال ایلورلر .

کوردهش ، ملی ویک فائده لی بر اکنجه در . بونده اخلاقه منافی هیچ برشی بوقدر . بنابرین (اک مشهور پهلوانلرک مصارع سی) فی اعلان این بریه ، بر بابا اوغلنی کوندر مکده هیچ بر مخذور کورمز . تقسیم ده دخی بویوک کوره شار اجرا ایدیه کچی اعلان اولونمش ایدی . پهلوان مصارع سینه مراقی اولان بر قاج دوستمز مصارع بی سیره کیشلر ایدی . لیکن کیشکاری برده یالکز پهلوان مصارع سینی دکل ، یوزلری بادانی ، عادتاً چیریل جیلاق بر جوق آقریساری دخی کورمشلر و اولاد وطنی فسق ونیجه نشوینق ایدن بو ایکرنج منظره لرندن فرار ایتشدر . اخلاقه مغایر اولماق اوزره تیارولری بر عبرت آلاچی بر دییه قبول ایدرز . ویتارولرک مدنی بر متده ایفاسنه مدعو بولوندینی وظیفه مهمه وادیبی بیلمز دکلر ، لیکن هر مملکتده یالکز سفیله ره ، عیاشیه ، ایشیز کوجسز آدملره مخصوص اولان (قافه شانتان ، بالوز ، وامشالی) رزالتخانه لره تیارو نامی . ویرمک اصلا طوغری اولمادینی کی بویله لرله او بارق صاحبی صاحبی وصقالاتی آدملرکده دوامنی وهله بر طافم غافل بالارک اورالره اولادلرینی وقیز جوجقارینی کوندر دکلرینی کورمک جدأ تأسف اولونه جق وحی شایلاجق شیلردندر .

مادم که اهالی هنوز خبر وشرینی تقریق ایدمبور . وبویله رزالتخانه لره ، یاره ویره کچار بولونیور ، بونلری دایره ادبه ارجاع وهله اطفال ومراهقینی بو برلره دوامدن منع حکومتک بورجیدر .

صورتنده ترفانی غیر قابل افتحام بر (ثنویه) فکری میدانده کتیریور !

امام غزالی کی اثمه متصوفندن اولان بر شیخ کسا- لانیوری نقصان معرفتله اتهام ممکن اولمادیغندن زماننک ابداع ایتدیکی احتیاط ضرورتیه فکرینک بر قسمی اضمار ایدیلور دیکدر . ذاتاً اشاعیده کله کجک مباحث مسئله یی راز تنور ایتدیکی کجی احتیاط اسبابی ده شرح ایدیلور .

فان قبل فلم منع رسول الله صلی الله علیه وسلم عن افشاء هذا السوء کشف حقیقت الروح فیقال لان الافهام لا تختمله اذ الناس قسمان خواص وعوام . امام غلب فی طبعه العالیه میه قانه لا یقبله فی صفه الله ولا یصدق به فکیف یتصدق به فی صفه الروح الانسانی ؟

صورتولسه که جناب رسول بوسری افشادن وحقیقت روحی کشفندن نه منع ایدیلدی ؟ جواب ویریلرک : زیرا انسانلر خواص وعوام کی ایکی صنفه منقسمدر ، طبعنده عواملق غالب اولانلر ، روح حقنده کی حقایق صفه الله حقنده بیله قبول وتصدیق ایتیلورلر ، روح حقنده ناصل تصدیق ایدرلر ؟

ولهذا انکرت الکرامیه والجنابه ومن کانت العامیه اغلب علیه ذلک وجعلوا الله جسماً اذ لم یقلوا الاجساماً موجوداً مشاراً الیه ومن ترقی عن العامیه قلیلاً نفی الجسمیه ومناطق ان بنفی عوارض الجسمیه قائم الجمله . وترقی عن هذه العامیه الاشهری والمترله قایته امه جوداً لافی جهه .

بوسویه مبنی کرامیه وحنایه ا برنجیسی مذاهب غیر مقبوله دن ، ایکنجیسی امام احمد حنبلک مذهبندن متفرع مجسمه ومشبهه فرقه سی [الیه طبعنده عامت غالب اولانلر بوخصوصی انکار ایدیه ک جناب حق جسم ظن ایتیلر ، زیرا اونلرک عقلی قابل اشارت اولان جسمندن باشقه صورت موجودیتی ادراک ایتز . عامیتدن ترقی ایدلرک آذر ، جسمانی نفی ایتیلر ، فقه مقتدر اولمایانلری جهت اثبات ایدیلر . بو عواملقدن اشهری الیه معتزله ترقی ایتدی . وجهته مقتدر اولمایان موجودی اثبات ایتیلر .

بو ایضا حاکم جناب امامه اندیشه ویرن جهتلر آشکار اولور . روح ، امر الله اولقی جهته تجلیات صمدانیه دن بر نوردرکه صفاته الله کی ذات کبریاسنده مستهلک یعنی فناء عینی در . اگر روح جهت ومادیت الیه مقید اولسه . صفات الالهک وبالنهایه ذاته الالهک جسمانیته قبول ایجاب ایدیه ک . بویسه معنای بر شکل الیه تقیددر . ایشه حضرت امامک بر جوق رموز الیه سویله مک ایتدیکی شی . روحک القای نقطه الیه حدوثنه کنبه : بو محسب الاظهار والتجلی اولوب بحسب الوجود وماهیت دکلر . ناصل که جناب امام کچن بجنده « حدوثنک ایجاد وخلق معنانه اولامایه جتی)

صریح بر صورتده اثبات ایتشدر . شو حاله :

وفي فيه روحی نفخت کنایه .

هل الروح الاعینه یا نازع !

حقیقی نظام ایدر . [صوکی وار]